

# بکارگیری رویکرد روایت محور و مشارکتی در برنامه‌ریزی و طراحی منظر نواحی رودکناری (نمونه موردی: رودخانه سیاهرود شهر قائم‌شهر)

محسن روحانی قادیکلایی<sup>۱</sup> و هادی پندار<sup>۲</sup>

## چکیده

امروزه نواحی رودکناری که از جمله دارایی‌های طبیعی شهرها به حساب می‌آیند با دو مسئله مواجه‌اند؛ نخست آنکه رودخانه‌ها، به‌عنوان یکی از پالاینده‌های شهری می‌توانند بستری برای ابعاد توسعه شهری پایدار به حساب آیند. متأسفانه امروزه این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته و به واسطه مداخلات نامناسب به تهدیدی برای محیط‌زیست تبدیل شده است. دوم آنکه نواحی رودکناری معمولاً دامنه متنوعی از پهنه‌های کالبدی-عملکردی با ویژگی‌های فضایی متفاوت را در بر می‌گیرد که توجه به آن‌ها طراحی سکانس‌های فعالیتی-رفتاری متناسب با زمینه و مکان فراهم می‌کند. تدوین راهبردهای روایت محور و مشارکت محور در راستای پاسخگویی به مسائل مرتبط با این دو ویژگی هدف اصلی مطالعه حاضر می‌باشد. رهیافت‌های هم‌سوسازی طراحی و برنامه‌ریزی نواحی فوق با ادراک و خواست جامعه محلی در راستای تشخیص بخشی به هویت ویژه هر بخش از رودخانه پرسش اصلی پژوهش حاضر است. پژوهش از نوع کیفی بوده و به روش قوم‌نگاری بوده که با انواع روش‌های کمی و کیفی به صورت اسنادی و مصاحبه برای گردآوری اطلاعات همراه شده است. بستر انجام پژوهش محور رودکناری روخانه سیاهرود در شهر قائم‌شهر است که محدوده روستاهای همجوار، حومه شهر و شهر را در بر می‌گیرد. ابتدا مرور ادبیات مرتبط، سیر تاریخی و کاربردهای آن شناسایی و هم‌چنین برای دریافت تجربه زیسته ساکنین به روش قوم‌نگاری، ظرفیت‌های اجتماعی ساکنان مورد مطالعه قرار گرفت و در نهایت راهبردهای برنامه‌ریزی فضایی رودخانه سیاهرود جهت تعیین سکانس‌های فعالیتی و رفتاری متناسب با زمینه ارائه گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شناسایی تجربه، روایت و ارزیابی ساکنین از پدیده رودکناری و توجه به آن‌ها در عمل برنامه‌ریزی و طراحی می‌تواند فراهم‌کننده بستری برای اتصال فعالیت‌ها، یکپارچگی فضایی و اتصال مجدد رودخانه در ادراک و تصویر ذهنی افراد و ساکنان دارای خاطرات ویژه از آن گردد.

## واژگان کلیدی

رودکناری، رویکردی روایت محور و مشارکتی، تجربه زیسته، قوم‌نگاری، رودخانه سیاهرود قائم‌شهر